

دختر طبع همه زمزمه عشق تو زاد
 بخت ما بود که آبتن قریاد شدیم
 خواستیم آنچه بجز خاطرت از خاطر رفت
 داشتیم آنچه بجز یاد تو از یاد شدیم
 حسرت ما همه سر پنجه بیداد تو بود
 همه کاندرا طلب معدت و داد شدیم
 آگه از سلسله داد تو گشتیم آنروز
 که گرفتار پسر حلقه بیداد شدیم
 سالها خاک سر سکوی تو بودیم چه سود
 عاقبت آلت ساز بگری یاد شدیم
 آخر الامر که این مرحله طی باید کرد
 خود گرفتیم که از هفت بهفتاد شدیم
 همه را زندگی از نفیحه صور است بحشر
 ما بزلف تو که از نفیحه شمشاد شدیم
 قبض روح القدس آموخت صبوری از مات زبخی
 تا بدرس لب جان بخش تو استاد شدیم
 (طرفه این گفت و مرا گفته از آن طرفه تراست
 عیسی مریم و روح القدس باد شدیم)
 پیام من - به آقای دهخدا
 من در ابراز مقصود همینکه دنبال ارتباط میافتم مقصودم را
 گم میکنم . بعلاوه انسان - در دو موقع - یکی در حدیث نفس -

یکی در مصاحبه با معشوق و دوست عزیز به خطوط ارتباطیه معانی
علاقه قابل اعتنائی ندارد

برای جلب مشتری سبکار و کاکائو و شوكلات اعلان درشت
و بر جسته جالب نظر مشتری خواهد بود ، ولی حقایق هر قدر
نازك و لطیف ، معانی هر اندازه لایری و باریك باشد فكر فکور را
بیشتر جالب است خصوص وقتیکه این حقایق و معانی در اثر بیانی
مانند بیان شما روشن شود . بیان شما نسبت باین قبیل حقایق آنچه
من دیده ام حکم چراغ الكتریک را داشت در تماشای پرده های
سینما توگراف . وتأثیر نگارشات شما فقط بعلمت ملاحظت بیان نبود بلکه
معانی باریك و حقائق لطیف را روشن می ساخت .

انسان - اگر چه از ما و رای محیط فكر خودش رم میکند
ولی در عین حال از درك حقایق مجهوله نیز لذت میبرد ، بعقیده
من برای اینست که قوه فکریه قبلا واجد آنها است - و بیان و
تعلیم مانند انگشت هادی هلال انسان را بانچه خود واجد است باید
هدایت کند و هدایت میکند و ایجاد چیزی نمیکند . اگر حقایق از
جای دیگری بمعرف انسان حلول میکرد چرا در کتاب مجید همه جا
خداوند در هدایت بشر از فكر و تدبیر انسان استعداد میفرمود ،
حالا که ناچار مأمور ساختن « آدم » شده و باین نعمه انگشت
زده اید برای تهیه این مصنوع مهم در فكر عشق و محصلین عشقی باید
بود . باین قبیل محصل و طلبه یا من بر نخورده ام . یا اینکه محصل
عشقی که از روی عشق بعلم تحصیل کند کم شده

عشق به تحصیل هم چیز بیش یا افتاده نیست - باید بآنها درست حالی کرد که چیست ؟

زمانیکه زمزمه انقلاب و مشروطیت ایران بلند شد رفقای علمی طلبه ها و محصلین دفتر تحصیل را بسته و کتابهارا رویهم گذاشته و دنبال مشروطه طلبی افتادند . استاد نزرک شیخ اسمعیل عجلاتی روحیفداه فرمود . از این جا معلوم شد رفقاً « عشقی » تحصیل نمی کردند . تا بو بردند سفره نان و حلوا یحتمل از این اساس بر چیده شود فوراً رقیقه دیرین را سه طلاقه کردند

باید بآنها خوب حالی بفرمائید فهم و علم هم مقدمه است و هم نتیجه تا فهم مطلوب با لذات آنها نیز واقع گردد . گر چه بامادیات زندگی حاضر و با چشم و همچشمی که نسبت به زی و لباس و آرایش ها فعلا در بین محصلین معمول و متداول شده و با اینکه کمتر در دستور جاری مدرسه معنویات موضوع بحث واقع شده مشکل است تصوف و عرفان تحصیل را بانها ذهنی نمود طوریکه بغیر از تعلیم و علم بهمه چیز بی علاقه باشند

بعلاوه بمستعدین مدرسه حالی کنید که گذشته از اینکه سلسله های معلومات متداوله بصنعت اشبه است تا بعلم فرضاً هم آن چیزیکه من نیز در خاطره علم دانسته ام آن را واجد باشید وقتی می توانید حقاً فایده بخش باشید که شما مانند يك استاد خیاط - جلو آینه بدن خودتان را با پوشش آن به آینه نشان بدهید . فرقی که دارد خیاط تنگ و گشاد بلند و کوتاه جامه را از روی قواره و ترکیب

جسم خود اصلاح می کند . و شما باید جسم و ترکیب آدمیت خودتان را بقواره علم و دانش اندازه بگیرید و اصلاح کنید . وقتی ما تحصیل می کردیم اساتید بما می گفتند تحصیل علم بدون وجود قوه تقوی ممکن نیست . تعقیب رذائل توفیق را از انسان سلب می کند . شما هم (و او برای اینکه در آتیه صندلی نشینان صالحی برای ما تهیه فرموده باشید) اجتناب از رذائل را بانها ذهنی بفرمائید طوری که عمل آنی آنها خالی از اعمال رذیله باشد .

بالتیجه - دوستان حقیقی شما انتظار دارند بعد ازین اشخاص بزرگواری که برای خود در بروز تقوی جهات قارقه با نوع دیگر از محصلین ایرانی قائل نباشند تربیت نمائید . بنظرم - بعد ازین در صندلیها بروحانیت تقوی و عصمت عملی خیلی محتاج باشیم و شاید تنها این احتیاج در دوائر روحانیت حقیقی هم که باشد دور نزنند

بله - یکی از همین عیب های بزرگ این است که نمیدانم کدام طبقه بمردم حالی کرده بودند که تنها در يك طبقه باید مترصد تقوی بود ؟ در صورتیکه شما خوب میدانید تقوی رکن اعظم زندگی اجتماعی طبیعی ماست . نه بقال باید کم بفروشد . نه بزاز چیت و پارچه را کسر ذرع کند و قسم دروغ بخورد نه قاضی رشوه بگیرد نه دیپلومه سیاسی خیانت بوطن نماید و با اجانب بسازد نه ملا دین بدنیا بفروشد

جامعه محتاج است به تقوی و متقی - در هر زی و لباس
با هر معلومات و صنعت - از بقال گرفته تا ملا - از وزیر گرفته
تا پینه دوز

دیگر اینکه حیا غیر از تصفیر و تذلیل نفس و جسارت غیر از
بی حیائی و بی شرمی است .

من هر وقت که قلم در دست میگیرم فکر های متفکرین که
مانند غواصه ها در ته دریای بی پایان مطالب عالی ساعتی فرسنگها
سیر میکنند در برابر نظرم مجسم شده حرف بومیام را فراموش
میکم - نه از کسی نمی ترسم . فقط حشمت بردن از عالم
فکور نیز قسمت اشخاصی است که بهره از علم و فکر داشته باشند
این نیز موهبت علمی است . و کرنش روح در مقابل دانایان از
خود میراث علم و دانش است

بنوآموزان - به زبان و بیان خودتان بفهمانید جسارت ادبی
را بعدم قباح - در یاقه سرائی تفسیر نفرمایند .

کلمه « عقیده » هم مانند سایر سوخاتی ها بسیار مبتذل و بازاری
شده خوبست در جزوه و دیکنه ها و لوینک سطر مرقوم بفرومائید
که عالم قدس و تنزه عقیده بعلم قدس و تنزه مقدمات عقیده است
اگر خدای نکرده معتقدات مبداء علمی متکی به نداشته باشد آن
عقیده نیست یا مقدس نیست

تقلید محرم اگر حرمت عقلی داشته باشد بدیهی است که نسبت
بغالب اقسام تقلید خواهد بود و همان تقلید که قبح عقلی دارد شامل

احساسهای تقلیدی بشکل عطش کاذبه نیز خواهد بود دیپلومه های آتیه اگر این نکته را نیز در تحت تاثیر قدرت تربیت شما بفهمند .
پر بد نیست .

بالجمله - از مدرسه شما بعد از این امید و انتظارات دیگری داریم و البته مبدء همه آنها شایستگی هائی است که پیش خودمان از شما در این کار سراغ کرده ایم - فقط آرزو های بوالهوسانه نیست
ش ، غلامرضا خان نامدار

(بقیه آثار انجمن ادبی ایران)

(راجع بتربیت نسوان از شماره قبل)

آفرین بادا بدین دور همایون وین مبارک عهد فرخ مهد میمون
کرده صحن دیده را دارالصنایع جلوه بدعت سرای صنع بیچون
از ره سر کشتگی گردانده مارا گردش فرخنده گردنده گردون
وقت آن آمد که غم از دل بر آید لعبت شادی شود اثر پرده بیرون
گاه آن آمد که برگیرند برقع از جبین دوشیزگان طبع موزون
نور چشمان وطن را حب دانش حسن روزافزون نماید رونق افزون
در دبستان بنات امید واری میشود آموزگار تربیت چون

هر دم آید از سروش آسمانی

دانش دوشیزگان را مشردگانی

ای همایون بانوان داردانش برده بر دارید از رخسار دانش
کسب دانش را بکوشید از دل و جان تا بماند از شما آثار دانش
از وفا دنیا و ما فیهاست یارش هر که دارد یار دین و یار دانش